

## سنجش رابطه هوش هیجانی با ابعاد هویت

\* مریم قربانی

E-mail: ghorbani\_psy@yahoo.com

\*\* حمید کاظمی

E-mail: kazmei\_psy@yahoo.com

\*\*\* هاجر مساح

E-mail: h\_massah@yahoo.com

\*\*\* سیدمیثم دیباجی

E-mail: sm.diba@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۵/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱۰/۱۵

### چکیده

هدف از این تحقیق، بررسی ارتباط بین ابعاد چهارگانه هویت و مؤلفه‌های چهارگانه هوش هیجانی در سنین نوجوانی است. به این منظور، ۱۱۴ نفر (۶۵ دختر و ۴۹ پسر) از نوجوانان مقطع راهنمایی و دبیرستان با دامنه سنی ۱۵ تا ۱۸ سال به روش تصادفی انتخاب شدند و پرسشنامه جنبه‌های هویت (AIQ-IV) و پرسشنامه هوش هیجانی شوت را تکمیل کردند. نتایج تحلیل همبستگی نشان داد که هویت جمعی و کاربرد هیجان بیشترین همبستگی را دارند. به‌منظور بررسی نقش ابعاد هویت در پیش‌بینی مؤلفه‌های هوش هیجانی از تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام استفاده شد. یافته‌های تحلیل رگرسیون نشان دادند که هویت ارتباطی و شخصی، مهارت اجتماعی را پیش‌بینی می‌کنند. در مجموع، نتایج این پژوهش بیان می‌کنند که ابعاد هویت، نقش مهمی را در هوش هیجانی فرد به منزله یکی از الزامات زندگی روزمره بر عهده دارد. نتایج این پژوهش، بر لزوم توجه به نوجوانی به مثابه مرحله تشکیل هویت و نقش هویت در فهم کارآمد فرد از خود و دیگران (هوش هیجانی) تأکید می‌کند.

**کلیدواژه‌ها:** ابعاد هویت، هوش هیجانی، سنین نوجوانی، هویت جمعی، هویت

ارتباطی.

\* استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه پیام‌نور زرین‌شهر، نویسنده مسئول

\*\* استادیار گروه روان‌شناسی بالینی دانشگاه اصفهان

\*\*\* دانشجوی دکتری روان‌شناسی عمومی دانشگاه اصفهان

\*\*\*\* دانشجوی دکتری روان‌شناسی عمومی دانشگاه اصفهان

### مقدمه

تحقیقات انجام شده نشان می‌دهند که پاره‌ای از سازه‌های مرتبط با ابعاد هویت با هوش هیجانی ارتباط مستقیمی دارند. برای مثال، جوکار و لطیفیان (۱۳۸۵: ۲۵) در پژوهشی ارتباط ابعاد هویت با جهت‌گیری هدف را بررسی کردند و جوکار نیز (۱۳۸۴: ۶۵) به بررسی ارتباط هدف‌گرایی و خودتنظیمی پرداخت. نتایج این پژوهش‌ها نشان دادند که هدف‌گرایی با ابعاد هویت و نیز با خودتنظیمی ارتباط دارد. هم‌چنین، در پاره‌ای دیگر از تحقیقات ارتباط ابعاد هویت با سازه‌هایی بررسی شده است که با هوش هیجانی ارتباط مشخصی دارند، از جمله: ابعاد هویت و شیوه‌های فرزندپروری (محمدی و لطیفیان، ۱۳۸۷: ۳۹)، ابعاد هویت و راهبردهای خودتنظیمی و انگیزشی (کاظمی و چلبیانلو، ۱۳۸۲: ۶۷۲)، ابعاد هویت و عزت نفس (سهرابی و البرزی، ۱۳۸۲: ۴۵۱) و ابعاد هویت و ویژگی‌های شخصیتی (طالبیان، گودرزی و نیک‌فرجام، ۱۳۸۲: ۳۹۷) و چلبیانلو و کاظمی، ۱۳۸۲: ۶۷۳). این دسته از مطالعات نشان داده‌اند که سازه‌های فوق با هوش هیجانی ارتباط مشخصی دارند (برای مثال، ری، اکسترما و پنا، ۲۰۱۱: ۲۲۷؛ هانسنه و بیانچی، ۲۰۰۹: ۶۳ و مایر و سالووی، ۱۹۹۵: ۳). به‌رغم پژوهش‌های فراوانی که در زمینه هویت و هوش هیجانی انجام شده است، پژوهش‌های بسیار کمی رابطه مستقیم این دو سازه را بررسی کرده‌اند. با توجه به وجود رابطه بین متغیرهای بیان‌شده در سطور قبل با هر دو متغیر هویت و هوش هیجانی، به نظر می‌رسد وجود چنین رابطه‌ای منطقی باشد؛ از این‌رو این پژوهش به‌عنوان نخستین پژوهش در این زمینه (با توجه به بهترین اطلاعات نویسندگان) با هدف بررسی رابطه بین ابعاد هوش هیجانی و ابعاد هویت طرح‌ریزی شده است.

### سؤال تحقیق

آیا بین ابعاد هویت در دوران نوجوانی با مؤلفه‌های هوش هیجانی ارتباط وجود دارد؟

### چهارچوب نظری یا مفهومی

هویت دستاورد مهم دوران نوجوانی است. تشکیل هویت یعنی مشخص کردن این‌که شخص چه کسی است، برای چه چیزی ارزش قائل است، چه مسیری را می‌خواهد دنبال کند و در حقیقت، آغازگر جستجویی برای خود است (شهرآرای، ۱۳۸۴: ۷۳). در ادبیات پژوهشی توجه ویژه‌ای به شناخت خود و هویت‌یابی شده است؛ بر همین اساس

دو رویکرد در ارتباط با هویت طرح شده است. رویکرد اول، رویکرد تک‌فرهنگی است که بر مبنای آن فرد به منزله موجودی مستقل و خودمختار با هویتی متمایز از دیگران تعریف می‌شود. مطابق این دیدگاه، افراد در تلاش برای مستقل شدن از دیگران و کشف و تبیین ویژگی‌های ذاتی خود هستند. ارتباط با محیط در این دیدگاه، رابطه‌ای ابزاری است که در آن بهترین راه برای بروز توانایی‌ها و ویژگی‌های خود، کنش و واکنش فرد با دنیای بیرون است (جوکار و لطیفیان، ۱۳۸۵: ۳۲). رویکرد دوم، رویکرد واگرا نامیده شده است که ریشه‌های آن به دو نظریه هویت اجتماعی (تاجفل و ترنر، ۱۹۸۶: ۱۲؛ ۱۹۷۹: ۳۹؛ ترنر، ۱۹۸۵: ۹۲) و نظریه میان‌فرهنگی خود (مارکوس و کیتایاما، ۱۹۹۱: ۲۲۹) بازمی‌گردد. تاجفل (۱۹۹۸) هویت اجتماعی را دانش فردی در مورد تعلق به گروه اجتماعی خاص و اهمیت این عضویت نزد فرد می‌داند (تاجفل، ۱۹۹۸: ۱۱۲). از مهم‌ترین انواع هویت اجتماعی می‌توان به هویت ملی اشاره کرد. ریشه‌های این هویت را در زمینه‌های نژادی، مذهبی، گروهی و قومی می‌توان مشاهده کرد (لاتانن و کراکر، ۱۹۹۲: ۳۰۷). احساس تعلق به این ریشه‌های مشترک اعم از تاریخ، سرزمین، زبان، نهادهای اجتماعی و مسائلی از این دست، هویت ملی را شکل می‌دهد (وارویک و نتلبک، ۲۰۰۴: ۱۰۹۱). اسمیت (۱۳۸۳) هویت ملی را «بازتولید و بازتفسیر دائمی ارزش‌ها، نهادها، خاطره‌ها، اسطوره‌ها و سنت‌هایی می‌داند که میراث متمایز ملت‌ها را تشکیل می‌دهند و تشخیص هویت افراد با آن الگو، میراث یا عناصر فرهنگی امکان‌پذیر است» (اسمیت، ۱۳۸۳: ۳۰). هویت فردی نیز در رویکرد واگرا نشان‌دهنده تفاوت‌های فردی و شاخصی از هنجارها، ارزش‌ها و باورهای فرد است. مطابق نظریه مارکوس و کیتایاما (۱۹۹۱)، خویشتن یا خود شامل دو طبقه «خود مستقل» و «خود وابسته» است. «خود مستقل» همان هویت فردی در رویکرد تک‌فرهنگی است که در این نظریه به‌عنوان نظامی شناختی، به دنبال متمایز کردن فرد از دیگران است و «خود وابسته» چهارچوبی است که اساس ارتباط اجتماعی است. در این حالت، ارتباط مستقیم با دیگران مبنای «خودتعریفی» و هویت است (جوکار و لطیفیان، ۱۳۸۵: ۳۲). با اقتباس از این نظریه، چیک و بریگز<sup>۱</sup> (۱۹۸۲)، چیک، تراپ، چن و آندروود<sup>۲</sup> (۱۹۹۴) از مقیاسی برای سنجش ابعاد هویت استفاده کردند که شامل موارد زیر است: هویت فردی (نقشی که باورها و هیجانات، ارزش‌ها و اهداف در شکل‌گیری هویت دارند)، هویت اجتماعی (عضوی از گروه بودن، معادل

1. Cheek &amp; Briggs

2. Chen &amp; Underwood

خود وابسته) و هویت جمعی (معادل نظریه هویت اجتماعی). هویت اجتماعی و هویت جمعی هیچ‌یک در برگیرنده روابط با دوستان صمیمی یا رابطه با هم نیست؛ از این رو هویت ارتباطی (یک دوست خوب بودن برای کسانی که واقعاً به آنان ابراز علاقه می‌کنم) نیز وجود دارد که چیک و همکاران (۲۰۰۲) آن را یکی از مؤلفه‌های هویت دانسته‌اند.

دوسک و فلاهرتی (۱۹۸۱) معتقدند در خودپنداره نوجوان چهار عامل اصلی وجود دارد: ۱) احساس فرد در مورد سازگاری (خوشحالی، رضایت، سلامتی، ثبات و پایداری)؛ ۲) احساس پیشرفت و توانایی رهبری کردن (موفقیت، شکست/اعتماد به خود، بی‌اعتمادی)؛ ۳) اجتماعی بودن یا محبت و همدلی که این بعد به احساس فرد در تعامل با دیگران مربوط است (ارزیابی فرد از میزان خوب بودن، مهربانی و دوستانه رفتار کردن)؛ و ۴) ادراک زنانگی - مردانگی در فرد. یکی از بارزترین ویژگی‌های دوره نوجوانی، بحران هویت است که در آن نوجوان به دنبال پاسخگویی به سؤال «من کیستم»، است (برک، ۱۳۸۶). بافت و زمینه اجتماعی، نقش مؤثری در تجربه روان‌شناختی بحران هویت دارد. به علاوه، افکار انسان‌ها به دلیل هیجان‌اتشان تحت تأثیر قرار می‌گیرد (سیمون، ۱۹۸۳: ۴۵۶۹). در دوره نوجوانی هوشیاری فزاینده‌ای درباره حالت‌های هیجانی پیچیده ایجاد می‌شود؛ برای مثال احساس گناهی که حاصل احساس خشم، شرم یا ترس است. بر همین اساس نوجوان به صورت روزافزونی از راهبردهای پیچیده برای تنظیم هیجان‌ها استفاده می‌کند (کار، ۲۰۰۷: ۱۱۷). از ویژگی‌های مورد تأکید و مهم دوره نوجوانی می‌توان به سازه هوش هیجانی اشاره کرد؛ اهمیت هوش هیجانی به‌ویژه در برقراری ارتباط با دیگران، واقعیتی انکارناپذیر است. به طوری که هوش هیجانی شامل توانایی‌ها در جهت خودآگاهی هیجانی و اجتماعی است و مهارت‌ها را در شناخت احساس خود و دیگران و برقراری ارتباط سالم با دیگران و مسئولیت‌پذیری در مقابل وظایف شامل می‌شود (شیخ پور و بذرافکن، ۱۳۸۷).

بر همین اساس، هوش هیجانی از جمله عوامل مهمی تلقی می‌شود که ادراک از خود را تحت تأثیر قرار می‌دهد (بار - آن، ۲۰۰۰: ۱۱۷). پژوهش‌های زیادی مسأله هوش هیجانی را بررسی کرده‌اند (پترایدز، فردریکسون و فارنهام، ۲۰۰۴: ۲۲۷؛ آنتوناکیز، اشکانازی و داسبورق<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹: ۲۴۷). بار - آن (۲۰۰۰) هوش هیجانی را فهم کارآمد خود و دیگران، توانایی ایجاد ارتباط با دیگران و سازگاری و انطباق با محیط به‌منظور حل خواسته‌های

1. Antonakis; Ashkanasy & Dasborough

محیطی تعریف می‌کند. هوش هیجانی توانایی مهار عواطف و تعادل برقرارکردن بین احساسات و منطق است. هوش هیجانی شامل کنترل هیجان‌ها فرد در ارتباط با خودش و افرادی است که با آنها تعامل دارد (وارویک و نتلبک<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴: ۱۰۹۳). تفاوت‌های فردی در هوش هیجانی موجب تفاوت‌هایی در دستاوردهای زندگی افراد می‌شود. برای مثال، فردی که از احساسات خود خبر ندارد، ممکن است اعمال مؤثری انجام ندهد یا فردی که قادر به ارزیابی هیجان‌ها دیگران نیست، به احتمال زیاد مشکلاتی را در برخورد با شریک یا همکارانش پیدا می‌کند (آستین، ۲۰۰۵: ۴۰۳).

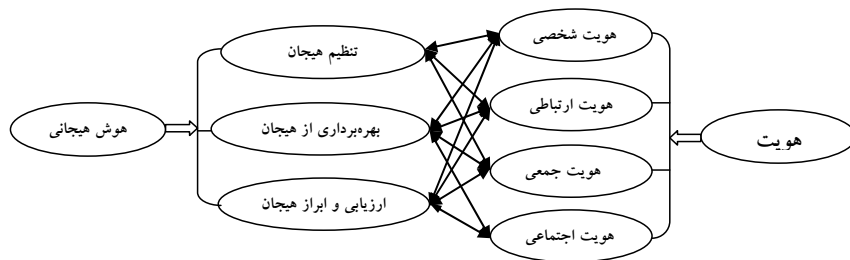
از این‌رو هوش هیجانی توضیح می‌دهد که چرا دو فرد با IQ مساوی می‌توانند به سطوح کاملاً متفاوتی از پیشرفت و خوشبختی برسند (برادبری و گریوز، ۱۳۸۷). هوش هیجانی - اجتماعی نیز، نقطه مشترک تعامل توانایی‌های هیجانی و اجتماعی با مهارت‌ها و تسهیل‌کننده‌هایی تلقی می‌شود که مشخص می‌کند چگونه یک فرد قادر به فهم دیگران، برقراری ارتباط مناسب با آنها و درک و ابراز مؤثر در تعاملات است. در واقع هوش هیجانی - اجتماعی ناظر بر این امر است که چگونه فرد با مسائل زندگی کنار می‌آید (شکیبا، فتی و اصغرزاده، ۱۳۸۷: ۶۱۰).

ماتیوز، زیدنر و رابرتس (۲۰۰۲) معتقدند که دلایل زیربنایی تفاوت‌های فردی در هوش هیجانی هنوز ثابت نشده است. دیری (۲۰۰۰) نشان داده که تفاوت‌های فردی در حوزه هوش هیجانی، در سرعت پردازش اطلاعات هیجانی نهفته است؛ هم‌چنین پژوهش‌ها نشان می‌دهند که تفاوت‌های فردی در پردازش اطلاعات عاطفی، موفقیت در زندگی را پیش‌بینی می‌کنند (گلمن، ۱۹۹۶؛ سالوی و مایر، ۱۹۹۰: ۱۸۵).

در هر حال نکته اساسی، اهمیت هوش هیجانی در زندگی انسان است که به انسان قابلیت برقراری ارتباطات با کیفیت بالا را می‌دهد (گلمن، ۱۳۸۲) و حتی برخی پژوهشگران آن را عامل تفاوت بین افراد تلقی کرده‌اند. کمپل، مک‌کلوی، ابر و ساگر (۱۹۹۳: ۳۵) معتقدند علاوه بر توانایی هوش کلی (GMA)، هوش هیجانی نیز سهمی مهم در عملکرد پیش‌بینی شده دارد. اول از همه این‌که الگوهای عملکرد انسانی تأکید می‌کنند که علاوه بر توانایی‌های تحلیلی و استدلالی و دانش خصوصی، توانایی‌هایی که در ارتباط با تعاملات اجتماعی هستند نیز برای عملکرد سهم تعیین‌کننده‌ای دارند (سانگ و همکاران، ۲۰۱۰: ۱۳۷).

1. Warwick & Nettelbeck

دوم این که شواهدی وجود دارد که اجزا و سازوکارهای مختلف مغزی ممکن است در توانایی‌های شناختی و توانایی‌های هیجانی در ارتباط با تعاملات اجتماعی درگیر باشند (هیلگارد، ۱۹۸۰: ۱۰۷؛ مایر و سالوی، ۱۹۹۷: ۳؛ سانگ و همکاران، ۲۰۱۰: ۱۳۷). تحقیقات در این زمینه به اهمیت حضور والدین در شکل‌گیری هویت نوجوانان تأکید کرده‌اند و نشان داده‌اند که حمایت‌های هیجانی از طرف والدین، به صورت مثبتی با هویت‌یابی دوران نوجوانی در ارتباط است (سارتور و یونیز، ۲۰۰۲: ۲۲۱)؛ از این سازه به عنوان عشق والدینی (برای مثال باس، ۱۹۸۸: ۱۰۳) یاد شده است. این سازه حاکی از حضور تعاملات صمیمی و گرم با نوجوانان است و ناظر بر اهمیت تعاملات میان والدین و فرزندان است؛ حضور حمایت‌های هیجانی ارتباط معناداری با سلامت روانی و جسمی در دوران بزرگسالی دارد (شو، ۲۰۰۴: ۴). هوش هیجانی و عزت نفس متغیر میانجی ارتباط بین عشق والدینی و شادکامی در بزرگسالی تلقی می‌شوند (سیلیک و شوت، ۲۰۰۶: ۳۸). پژوهش‌ها نشان می‌دهند که هوش هیجانی بالا با افزایش عملکرد و بهزیستی (آستون، سافلاسک و ایگان، ۲۰۰۵: ۵۴۷)، افسردگی کمتر و خوش‌بینی بیشتر (شوت، ۱۹۹۸: ۱۶۷) رابطه دارند. در مجموع یافته‌ها نشان می‌دهد که ابعاد هویت با متغیرهای متفاوتی ارتباط دارد. این پژوهش در پی یافتن رابطه ابعاد یادشده با هوش هیجانی است. الگوی مفهومی این پژوهش در تصویر ذیل به نمایش درآمده است:



شکل شماره ۱: الگوی تحلیلی پژوهش

بر این اساس فرضیه اصلی این پژوهش به شرح زیر است:  
بین ابعاد هویت در دوران نوجوانی با مؤلفه‌های هوش هیجانی ارتباط وجود دارد.

### روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع مطالعات توصیفی - همبستگی است (گال و بورگ، ۱۳۸۷). به منظور آزمون فرضیه‌های تحقیق، پرسشنامه هوش هیجانی شوت و پرسشنامه ابعاد هویت - نسخه چهارم (AIQ-IV) (چیک و هوگان، ۱۹۸۱، هوگان و چیک، ۱۹۸۳) توسط ۱۱۴ نفر از دانش‌آموزان مقطع راهنمایی و دبیرستان شهر اصفهان تکمیل شد. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار Spss-16 تحلیل شد.

### تکنیک گردآوری اطلاعات

جامعه آماری این پژوهش همه دانش‌آموزان مقطع راهنمایی و دبیرستان شهر اصفهان در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰ هستند. به منظور بررسی ارتباط بین ابعاد هویت و مؤلفه‌های هوش هیجانی، از بین دانش‌آموزان مقطع راهنمایی و دبیرستان شهر اصفهان، تعداد ۱۱۴ نفر (۶۵ دختر و ۴۹ پسر) با دامنه سنی ۱۵ تا ۱۸ سال در سال ۱۳۹۰ به روش تصادفی انتخاب شدند و پرسشنامه جنبه‌های هویت (چهارمین فرم تجدید نظر شده گرایش‌های هویت، AIQ-IV) و پرسشنامه هوش هیجانی شوت را تکمیل کردند.

**پرسشنامه ابعاد هویت - نسخه چهارم (AIQ-IV)**: گرایش‌های هویتی به این معنی است که افراد هنگام معرفی خود چه ویژگی‌هایی را به خودشان نسبت می‌دهند (چیک، ۱۹۸۹). پرسشنامه جنبه‌های هویت، با انتخاب موادی از فهرست ویژگی‌های هویت سمپسون (۱۹۷۸) انجام شده است؛ سپس برخی از ماده‌ها بازنویسی شده و برخی دیگر حذف شده‌اند و برای اصلاح پایایی و اعتبار محتوای پرسشنامه، ماده‌های جدیدی تهیه شده است (چیک، ۱۹۸۲-۱۹۸۱، چیک و هوگان، ۱۹۸۱، هوگان و چیک، ۱۹۸۳).

تحلیل‌های روان‌سنجی نشان داده است که برخی از مقوله‌هایی که در هویت اجتماعی قرار گرفته بوده‌اند (برای نمونه، به عنوان عضوی از فامیل بودن)، نشان‌دهنده عامل سوم می‌اند که آن هویت اشتراکی یا جمعی است. مقیاس سوم برای این قلمرو تهیه شده (چیک، آندروود و کاتلر، ۱۹۸۵) و در حال حاضر توسعه داده شده است (چیک، تراپ، چین و آدروود، ۱۹۹۴)؛ ولی نه مقیاس اجتماعی و نه مقیاس جمعی یا اشتراکی، روابط با دوستان صمیمی یا رابطه با همسر را شامل نمی‌شد؛ بنابراین مقیاس چهارمی با گرایش هویت ارتباطی (یک دوست خوب بودن برای کسانی که واقعاً به آنان ابراز علاقه می‌کنم) به نسخه چهارم پرسشنامه جنبه‌های مختلف هویت (AIQ-IV) اضافه شد (چیک، اسمیت و تراپ، ۲۰۰۲). این پرسشنامه چهار نوع هویت را می‌سنجد: گرایش هویت

فردی، گرایش هویت ارتباطی، گرایش هویت اجتماعی و گرایش هویت جمعی که پایایی گزارش شده ابعاد متفاوت آن در چهار فرهنگ (آمریکا، مکزیک، استرالیا و فیلیپین) بین ۰/۶۷ تا ۰/۹ گزارش شده است؛ در این پژوهش نیز پایایی هویت ۰/۸۷ به دست آمد.

**پرسشنامه هوش هیجانی شوت:** این پرسشنامه را شوت و همکاران (۱۹۹۸) بر اساس الگوی نظری هوش هیجانی سالوی و مایر (۱۹۹۰) و برای سنجش هوش هیجانی نوجوانان ساخته‌اند که چهار عامل را ارزیابی می‌کند: عامل خوش‌بینی / تنظیم هیجان، عامل ارزیابی از هیجان‌ات، عامل مهارت‌های اجتماعی و عامل کاربرد هیجان‌ات. برای نمره‌گذاری پرسشنامه از مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای استفاده می‌شود و سپس جمع نمرات و نیز نمره‌های هر عامل به طور جداگانه محاسبه می‌شود. مجموع نمرات فرد در هر چهار خرده مقیاس، نمره هوش هیجانی کل آزمودنی را تشکیل خواهد داد. خسرو جاوید (۱۳۸۱) پایایی این پرسشنامه را ۰/۸۱ گزارش کرده است؛ در این پژوهش نیز پایایی هوش هیجانی برابر ۰/۷۵ به دست آمد.

### یافته‌های تحقیق

از نظر متغیرهای جمعیت‌شناختی، ۱۴/۹۱ درصد ۱۵ ساله، ۴۸/۲۵ درصد ۱۶ ساله، ۲۶/۳۱ درصد ۱۷ ساله و ۱۰/۵۳ درصد ۱۸ ساله بودند که از این تعداد ۵۷ درصد مؤنث بودند. در جدول ۱ شاخص‌های توصیفی و ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش با یکدیگر آورده شده است.

جدول شماره ۱: میانگین، انحراف استاندارد و ماتریس همبستگی میان ابعاد هویت و مؤلفه‌های

هوش هیجانی

ردیف	متغیرها	M	SD	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱	هویت شخصی	۷۱/۹۴	۵/۵	-							
۲	هویت اجتماعی	۳۷/۸۱	۵/۳	**۰/۲۵/۰	-						
۳	هویت جمعی	۷۸/۷۸	۳۷/۳	**۰/۵۳/۰	**۷۶/۳/۰	-					
۴	هویت ارتباطی	۸۰/۴۳	۶۷/۵	**۷۰/۵/۰	**۳/۰	**۸۸/۳/۰	-				



۵	تنظیم هیجان	۵۵/۶۳	۷۵/۶	۵۵۳/۰	۱۰۸/۰	۳۱۸/۰	۱		
۶	ارزیابی هیجان	۱۸/۱۴	۳۳/۶	۸۸۱/۰	۵۸۰/۰	۳۱۸/۰	۱		
۷	مهارت اجتماعی	۵۵/۱۳	۸۳/۳	۵۰۳/۰	۸۰۳/۰	۱۸۵/۰	۱		
۸	کاربرد هیجان	۷۵/۱۱	۳۷/۸	۳۵۳/۰	۸۷۰/۰	۱۸۷/۰	۱		

\* $p < 0/05$  \*\* $p < 0/01$

همان‌طور که جدول ۱ نشان می‌دهد کلیه ابعاد هویتی با مؤلفه‌های هوش هیجانی ارتباط دارند (به استثنای هویت اجتماعی و ارزیابی هیجان، هویت جمعی و کاربرد هیجان). بیشترین همبستگی بین هویت جمعی و کاربرد هیجان ( $r = 0/711$  و  $p < 0/01$ ) و پس از آن بین هویت شخصی و ارزیابی هیجان ( $r = 0/673$  و  $p < 0/01$ ) بوده است.

برای بررسی این‌که کدام‌یک از ابعاد هویتی قادر به تبیین واریانس عوامل هوش هیجانی هستند، از روش رگرسیون گام به گام استفاده شد که نتایج آن در جدول ۲ آمده است.

جدول شماره ۲: تحلیل رگرسیون مربوط به ابعاد هویت و مؤلفه‌های تنظیم هیجان و ارزیابی هیجان

ردیف	متغیر ملاک	متغیرهای پیش‌بین	R	R <sup>2</sup>	$\Delta R^2$	F	F change	B	$\beta$	SEB	t
۱	تنظیم هیجان	۱. هویت شخصی	۰/۴۵۵	۰/۲۰۷	۰/۲۰۷	۲۹/۱۹	۲۹/۱۹	۰/۵۲۵	۰/۴۵۵	۰/۱۰۱	۵/۴۰۳
۲	ارزیابی هیجان	۱. هویت ارتباطی	۰/۳۱۴	۰/۱۶۰	۰/۱۶۰	۵/۳۸۴	۵/۳۸۴	۰/۲۳۵	۰/۳۱۴	۰/۱۰۱	۲/۳۱۸
۳	مهارت اجتماعی	۱. هویت ارتباطی	۰/۵۰۰	۰/۲۵۰	۰/۲۵۰	۶/۱۴۰	۶/۱۴۰	۰/۳۰۲	۰/۳۹۷	۰/۱۰۷	۴/۲۴۷
		۲. هویت شخصی	۰/۵۰۳	۰/۱۷۸	۰/۱۷۸	۳/۸۳۷	۳/۸۳۷	۰/۱۶۱	۰/۲۰۴	۰/۰۷۰	۲/۱۷۹

۴	کاربرد هیجان	۱. هویت شخصی	*303/۰	۶۰۸/۰	۶۰۸/۰	*۱۰۱/۵۸	۳۳۸/۰	۵۵۸/۰	۸۵۰/۰	*33۰/۸
		۲. هویت اجتماعی	*۸۷3/۰	۸۸۸/۰	۱۴۰/۰	*۳۸۸/۸۱	۷۳3/3	۱۰۸/۰	۵۵۸/۰	۱3۰/۰

$$p < 0/05 \quad ** p < 0/01$$

نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام نشان می‌دهد که بعد هویت شخصی در پیش‌بینی زیرمقیاس تنظیم هیجانی وارد می‌شود و ۲۰/۷ درصد از واریانس تنظیم هیجان را تبیین می‌کند. در پیش‌بینی مؤلفه ارزیابی هیجان، به‌رغم ورود بعد هویت ارتباطی، این عامل درصد بسیار ضعیفی از واریانس تنظیم هیجان را پیش‌بینی می‌کند؛ بنابراین به نظر می‌رسد هیچ کدام از ابعاد هویت توان پیش‌بینی ارزیابی هیجان را ندارند. هم‌چنین نتایج جدول ۴ حاکی از قابلیت هویت ارتباطی و هویت شخصی با مجموع قدرت تبیین ۰/۲۸ در پیش‌بینی مهارت اجتماعی است. نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام نشان داد که هویت شخصی و هویت اجتماعی می‌توانند کاربرد هیجان را پیش‌بینی و ۲۳ درصد از واریانس آن را تبیین کنند.

### نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه بیشتر نظریه‌های معاصر در مورد هویت بر پایه نظریه اریکسون (۱۹۸۲) بنا شده‌اند و اریکسون مهم‌ترین مرحله بحران هویت را در نوجوانی می‌داند، اهمیت کارکردهای هویتی که در این دوران شکل می‌گیرد، نمود بیشتری می‌یابد. پژوهش‌های متفاوت، پایداری هویت شکل‌گرفته در دوران نوجوانی را تأیید می‌کنند (برای مثال، لويس، ۲۰۰۳: ۱۵۹؛ فادجوكف، پولکینن و کوكو، ۲۰۰۵: ۱)؛ بنابراین بررسی ابعاد هویتی و نقش آن در متغیرهای زندگی اجتماعی امری ضروری به نظر می‌رسد. نتایج این پژوهش رابطه مثبت ابعاد هویتی در دوران نوجوانی با هوش هیجانی را بررسی کرده است.

با در نظر گرفتن هویت به‌عنوان تعریف مشخصی از خود که شامل ارزش‌ها، اهداف و اعتقاداتی است که فرد به آن متعهد است (واترمن، ۱۹۸۴)، رابطه ابعاد هویت و هوش هیجانی را می‌توان توجیه کرد. یکی از نکات کلیدی مورد توافق در تعاریف متفاوت هویت، تأکید بر شکل‌گیری آن در تعاملاتی اجتماعی است که در محیط اجتماعی —

فرهنگی شکل می‌گیرند (تاجفل، ۱۹۹۸). یکی از مهم‌ترین بسترهای این تعاملات اجتماع، کشوری است که فرد در آن زندگی می‌کند. اگر فرد در تعاملات اجتماعی خود در این محیط، به احساس تعلق به واحد اجتماعی ملی خود برسد، آنگاه هویت ملی در او شکل گرفته است (لقمان‌نیا، خامسان و احمدی یگانه، ۱۳۹۰: ۹). با توجه به این‌که هویت ملی اساس هویت‌های دیگر است و از طریق آن می‌توان به دیگر هویت‌های فرد نیز دست یافت (رهباب، ۱۳۸۱)، لزوم توجه به این نوع از هویت به‌ویژه در دوران نوجوانی که فرد به دنبال کسب هویت است (لويس، ۲۰۰۳: ۱۵۹؛ فادجاكوف، پولکینن و کوکو، ۲۰۰۵: ۱) اهمیت بیشتری می‌یابد. هویت شکل گرفته در اثر تعاملات اجتماعی در بستر محیط‌های متفاوت می‌تواند در یک چرخه، تعاملات اجتماعی را از طریق فهم هیجان‌ات خود و دیگران بهبود بخشد؛ مفهومی که هوش هیجانی را معرفی می‌کند.

براساس رویکرد تک‌فرهنگی می‌توان نتیجه گرفت که دوره نوجوانی، دوره‌ای است که فرد با شکل‌دهی یک هویت شخصی تلاش می‌کند فردی متمایز با دیگران را ایجاد کند (برک، ۱۳۸۶). اگر نوجوان موفق شود به درستی این هویت را شکل دهد، با فارغ شدن از تشکیل این هویت - به منزله دغدغه اصلی دوره نوجوانی - می‌تواند روی خود نظارتی هیجان‌اتش در برخورد با موقعیت‌های مختلف تمرکز کند. این تمرکز می‌تواند به تدریج توانایی تنظیم هیجان‌ات را به مثابه یکی از عوامل هوش هیجانی افزایش دهد.

براساس نتایج به دست آمده در این مطالعه بعد هویت شخصی پیش‌بینی کننده تنظیم هیجان، مهارت‌های اجتماعی و ابراز هیجان در نوجوانان است؛ ولی توان تبیینی اندکی در پیش‌بینی کاربرد هیجان‌ات فرد دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که به دلیل تغییر پی در پی باورها و هیجان‌ات، ارزش‌ها و اهداف فرد در این دوره، هویت شخصی فاقد توان پیش‌بینی کنندگی استفاده مؤثر از هیجان‌ات در ارتباط با خود و دیگران است؛ ولی در پیش‌بینی مؤلفه‌های دیگر هوش هیجانی کارآمد است.

در پیش‌بینی مؤلفه‌های مهارت اجتماعی و ارزیابی هیجان‌ات، بیشترین نقش را هویت ارتباطی بر عهده دارد. یک تبیین احتمالی برای این یافته، عناصر مشترکی است که بین هویت ارتباطی و مهارت اجتماعی وجود دارد. در واقع، همسو با یافته‌های سانگ و همکاران (۲۰۱۰) مبنی بر وجود مبناهای زیست - عصب - شناختی مشترک، از نظر مؤلفه‌های رفتاری مرتبط نیز مشابهت‌هایی بین هویت ارتباطی و بعد مهارت اجتماعی وجود دارد؛ از جمله این‌که هر دو در رابطه با جمع و در پرتو ادراک افراد از توان خود در تعاملات اجتماعی شکل می‌گیرند. در گام دوم رگرسیون گام به گام برای

پیش‌بینی مهارت اجتماعی، بعد هویت شخصی وارد شده و توان تبیین را ۰/۰۳ افزایش داده است که می‌تواند به دلیل ارزش‌هایی باشد که فرد با اختیار خود درونی کرده است و این ارزش‌ها می‌توانند شامل افزایش مهارت اجتماعی نیز باشند؛ آنچه در دوره نوجوانی اهمیت بیشتری دارد.

در تبیین دیگر از یافته اخیر می‌توان گفت که دستیابی به مفهوم پایدار خود در برابر دیگری و ادغام این مفهوم در خود، یکی از تکالیف چالشی دوره نوجوانی است. فردی که به این مفهوم دست نیابد، فاقد احساس کارآمدی درباره خود خواهد بود. با توجه به رابطه بین شناخت و هیجان، چنین شناخت ناکارآمدی درباره خود، به آشفتگی هیجانی منجر می‌شود. از طرف دیگر افرادی که به این یکپارچگی دسترسی پیدا می‌کنند و هویت ارتباطی کاملی شکل می‌دهند، قادر به تنظیم و مدیریت هیجانات خود و دیگران هستند. این تبیین همسو با مطالعات سالوی و مایر (۱۹۹۰) و کاظمی و چلبیانلو (۱۳۸۲) است که نتیجه گرفتند استفاده از هیجانات، از جمله عواملی است که می‌تواند در موارد متعددی مانند راهبردهای خودتنظیمی، حل مسئله، تفکر و ارتباطات مؤثر باشد. آنچه فرد به عنوان خود ادراک می‌کند (هویت شخصی) می‌تواند در استفاده از این هیجانات تأثیرگذار باشد. اگر در تصویری که فرد از خود می‌سازد و در اواخر نوجوانی به ثبات نسبی می‌رسد، به‌کارگیری هیجانات و احساسات در مواجهه با مسائل زندگی به عنوان یک ارزش قبول شود، هویت شخصی می‌تواند به تبیین خوبی از کاربرد هیجانات در هوش هیجانی بپردازد؛ آن چیزی که مؤید نتایج این پژوهش است. همچنین هویتی که نوجوان از طریق بازخوردهای دیگران به دست می‌آورد، می‌تواند در توان او برای بهره‌برداری از هیجانات در کنش‌های روزمره مؤثر باشد. اگر فرد هویت خود را در جهت انتظارات افراد دیگر شکل دهد، با مراجعه به تجربیاتش در ساخت این هویت بهتر می‌تواند از هیجاناتش در موقعیت‌های متفاوت استفاده کند. در واقع نوجوان برای شکل‌دهی هویت اجتماعی خود، بازخوردهای اطرافیان در مورد اعمالش را ثبت و ضبط می‌کند و بر اساس آنها تلاش می‌کند که هیجانات خود را در جای مناسب به کار برد.

در خصوص عدم توان پیش‌بینی‌کنندگی بعد هویت جمعی و هویت ملی به عنوان یکی از اشکال هویت جمعی می‌توان نتیجه گرفت که آگاه شدن از بستگی‌های ملی و تعلق داشتن به یک ملت یا یک کشور، دارای جنبه‌های شناختی و عاطفی درهم تنیده‌ای است و در مسیر تحولی، دسترسی به این بعد نسبتاً دیررس است. فرد در ابتدا به مفهوم هویت فردی دست می‌یابد و سپس به سمت هویت ارتباطی پیش می‌رود و پس از آن

هویت جمعی را به دست می‌آورد. با توجه به این‌که دوره نوجوانی دوره ورود به تفکر انتزاعی و در نظر گرفتن دیدگاه‌های گسترده‌تر است؛ بنابراین فرد در این دوره در ابتدای شکل‌گیری مفاهیم هویت جمعی و ملی قرار دارد. با توجه به نمونه مورد مطالعه، ارزیابی سازه هویت ملی در سنین تحولی بالاتر شاید بتواند روابط دقیق‌تری بین این سازه و سازه‌های همبسته به دست آورد.

در پایان، محدود شدن جامعه آماری این پژوهش به نوجوانان اصفهانی، امکان تعمیم نتایج به جامعه بزرگ‌تر را مشکل کرده است؛ به‌ویژه این‌که ابعاد هویت با فرهنگ رابطه نزدیکی دارند؛ از این‌رو پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده این محدودیت مرتفع شود. با توجه به این‌که اهمیت بار فرهنگی و ارزشی و جهان‌بینی متناسب به یک ملت یا یک کشور، محتوای مفهومی هویت ملی فرد را تشکیل می‌دهد و هویت ملی از بارزترین ابعاد هویتی یک فرد است؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود پژوهشی در زمینه ارتباط بعد هویت ملی و هوش هیجانی در این مقطع سنی صورت پذیرد.

### منابع

- اسمیت، آنتونی (۱۳۸۳)؛ *ناسیونالیسم: نظریه، ایدئولوژی، تاریخ*، ترجمه منصور انصاری، تهران: مؤسسه مطالعات ملی، تمدن ایرانی.
- برادبری، تریوس و گریوز، جین (۱۳۸۷)؛ *EQ چیست و چرا مهم‌تر از IQ است؟*، ترجمه هادی ابراهیمی، تهران: نواندیش.
- لورا (۱۳۸۶)؛ *روانشناسی رشد*، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران: ارسباران.
- جوکار، ب. و لطیفیان، م (۱۳۸۵)؛ «رابطه ابعاد هویت و جهت‌گیری هدف در گروهی از دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی شهرستان شیراز و یاسوج»، *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، ۲۵ (۴)، صص ۲۸-۴۶.
- جوکار، ب (۱۳۸۴)؛ «بررسی رابطه هدف‌گرایی و خودتنظیمی در دانشجویان رشته‌های مختلف تحصیلی دانشگاه شیراز»، *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، ۴ (۴۵)، صص ۵۶-۷۱.
- چلبیانلو، غ، و کاظمی، ح (۱۳۸۲)؛ «بررسی رابطه ابعاد هویتی با صفات شخصیتی در نوجوانان بزهکار بر اساس مدل ۵ عاملی»، *فصلنامه مطالعات تربیتی و روانشناسی*، ۴ (۱)، صص ۳۰۷-۳۳۱.
- خسرو جاوید، م (۱۳۸۱)؛ «بررسی اعتبار و روایی سازه مقیاس هوش هیجانی شوت در نوجوانان»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشکده علوم انسانی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- رهیاب، حسین (۱۳۸۱)؛ *خودکاوی ملی در عصر جهانی شدن*، تهران: قصیده‌سرا.
- سهرابی، نوالبرزی، ش (۱۳۸۲)؛ «بررسی ارتباط میان ابعاد هویت و عزت نفس در گروهی از نوجوانان دختر

- و پسر عادی و بزهکار شهر شیراز»، *مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد*، ۴ (۱)، صص ۴۵۱-۴۶۴.
- شکبیا، ش؛ فتی، ل و فریدنژاد، ع. الف (۱۳۸۷): «رابطه تیپ‌های روان‌شناختی و هوش هیجانی — اجتماعی نکاتی کاربردی درباره ارتقای هوش هیجانی»، *روانشناسی کاربردی*، ۴ (۸)، صص ۶۰۷-۶۲۵.
- شهرآرای، م (۱۳۸۴): *روان‌شناسی رشد نوجوان، دیدگاهی تحولی*، تهران: علم.
- شیخ پور، محمود و بذرافکن، رویا (۱۳۸۷): *آشنایی با آزمون هوش هیجانی*، تهران: تندیس علم.
- طالبیان شریف، ح؛ گودرزی، ح؛ و نیکفر جام، م (۱۳۸۲): «بررسی رابطه پایگاه هویت و ویژگی‌های شخصیتی در دانشجویان علوم تربیتی دانشگاه فردوسی مشهد»، *مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد*، ۴ (۱): صص ۳۹۷-۴۱۸.
- کاظمی، ح و چلبیانلو، غ (۱۳۸۲): «بررسی رابطه ابعاد هویتی با راهبردهای انگیزشی و خودتنظیمی»، *مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد*، ۴، صص ۶۷۱-۶۸۷.
- گال، مرویت، و بورگ، والتر (۱۳۸۷): *روش‌های تحقیق کیفی و کمی در علوم تربیتی و روان‌شناسی*، ترجمه احمدرضا نصر، حمیدرضا عریضی، محمود ابوالقاسمی، محمدجعفر پاک‌سرشت، علیرضا کیامنش، خسرو باقری، محمد خیر، منیجه شهنی بیلاق و زهره خسروی: تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- لقمان‌نیا، م؛ خامسان، ا و احمدی‌یگانه، ط (۱۳۹۰): «رابطه احساس تعلق به هویت ملی با امنیت در جوانان دختر و پسر: مطالعه موردی»، *فصلنامه دانش انتظامی خراسان جنوبی*، ۲، صص ۹-۲۴.
- محمدی، ز و لطیفیان م (۱۳۸۷): «بررسی قدرت پیش‌بینی کنندگی ابعاد هویتی فرزندان از طریق ابعاد فرزندپروری والدین در میان دانشجویان»، دانشگاه شیراز، *مطالعات روان‌شناختی تابستان*، ۴ (۲): صص ۳۹-۵۶.
- هین، استیو (۱۳۸۶): *هوش هیجانی برای همه (راهنمای عملی هوش هیجانی)*، ترجمه رویا کوچک‌انتظار و مژگان موسوی شوشتری: قم: سفیر اردهال.
- Antonakis, John; Ashkanasy, Neal. M.; Dasborough, Marie. T. (2009); Does leadership need emotional intelligence? *The Leadership Quarterly*, 20, PP 247-261.
- Austin, E. J, Saklofske, D. H & Egan, V. (2005); Personality, well-being and Health correlates of trait emotional intelligence, *Personality and Individual Differences*, 38, PP 547-558.
- Austin, E. J. (2005); Emotional intelligence and emotional information processing, *Personality and Individual difference*, 39, PP 403-414.
- Bar- On, R. (2000); *The handbook of emotional intelligence*, San Fran Cisco. Jossey Bass Books.
- Bosma, H. A. , Kunnen, E. S. (2005); Identity and Emotion Development through Self-Organization. Cambridge University Press.
- Buss. D. M. (1988); *Love acts: The evolutionary biology of love*, In R. J. Sternberg & M. L. Barnes (Eds). Psychology of Love. New York. Vail-Ballou Press: PP 100-118.
- Campbell, J. P., McCloy, R. A., Opper, S. H., & Sager, C. E. (1993); A theory of performance. In N. Schmitt, W. C. Borman, & Associates (Eds.). *Personnel selection in organizations*, PP 35-70.
- Carr, A. (2007); *Positive psychology*, London: Mc Grow Hill.
- Cheek, J. M. (1982/83); *The Aspects of Identity Questionnaire: Revised scales assessing personal and social identity*, Unpublished manuscript, Wellesley College.



- Cheek, J. M. (1989); *Identity orientations and self-interpretation*, In D. M. Buss & N. Cantor (Eds.), *Personality Psychology: Recent Trends and Emerging Directions* (PP 275-285); New York: Springer-Verlag. (Table 1 presents the Personal and Social Identity items, but not the Collective Identity items, of the AIQ-III).
- Cheek, J. M., & Hogan, R. (1981, August); *The structure of identity: Personal and social aspects*, Paper presented at the annual meeting of the American Psychological Association, Los Angeles, CA. (Published in the section "Some Evidence" (pages 351-356) of Hogan & Cheek, 1983).
- Cheek, J. M., Smith, S. M., & Tropp, L. R. (2002); *Relational identity orientation: A fourth scale for the AIQ. Paper presented at the meeting of the Society for Personality and Social Psychology*, Savannah, GA.
- Cheek, J. M., Tropp, L. R., Chen, L. C. and Underwood, M. K. (1994); *Identity Orientation: Personal, Social, Collective Aspects of Identity*, Paper presented at the meeting of the American Association, Los Angeles.
- Cheek, J. M., Underwood, M. K., & Cutler, B. L. (1985); *The Aspects of Identity Questionnaire (III)*, Unpublished manuscript, Wellesley College.
- Cheek, J. M. and Briggs, S. R. (1982); *Self Consciousness and Aspects of Identity*, *Journal of Research in Personality*, 16, PP 401-408.
- Deary, I. J. (2000); *Looking down on human intelligence*, Oxford: Oxford University Press.
- Duesek, J & Flaherty, J. (1982); The development of the self concept during the adolescent years, *Monographs of the Society for Research in Child Development*, 46 (4 Serial No 191).
- Erikson, E. H. (1982); *The life cycle completed: A review*, New York: Norton.
- Fadjukoff, P., Pulkkinen, L., & Kokko, K. (2005); Identity processes in adulthood: diverging domains, *International Journal of Theory and Research*, 5, PP 1–20.
- Goleman, D. (1996); *Emotional intelligence*, London: Bloomsbury.
- Hansenne, M., Bianchi, J. (2009); Emotional intelligence and personality in major depression: Trait versus state effects. *Psychiatry Res*, 166 (1), PP 63-68.
- Hilgard, E. R. (1980); The trilogy of mind: Cognition, affection, and conation, *Journal of the History of the Behavioral Sciences*, 16, PP 107–117.
- Hogan, R. & Cheek, J. M. (1983); *Identity, authenticity, and maturity*, In T. R. Sarbin & K. E. Scheibe (Eds.), *Studies in Social Identity*. New York: Praeger. *Journal of Personality and Social Psychology*, 5, PP 339-357.
- Lewis, H. L. (2003); Differences in ego identity among college students across age, ethnicity, and gender, *International Journal of Theory and Research*, 3, PP 159–189.
- Luhtanen, R., & Crocker, J. (1992); A Collective self-esteem scale: self-evaluation of one's social identity, *Personality and social psychology Bulletin*, 18 (1): 302-318.
- Markus, H., and S. Kitayama. (1991); Culture and the self: Implications for cognition, emotion, and motivation, *Psychological Review*, 98 (2): 224-253.
- Matthews, G. D., Zeidner, M., & Roberts, R. D. (2002); *Emotional intelligence Science and myth*. Cambridge, MA: MIT Press.
- Mayer, J. D., & Salovey, P (1995); "Emotional intelligence and the construction and regulation of feelings", *Applied and Preventive Psychology*, 4, PP 197-208.

- Mayer, J. D. & Salovey, P (1997); *What is emotional intelligence?*, In D. J. Sluyter (Ed.), Emotional development and emotional intelligence: Educational implications, PP 3-31.
- Petrides, K. V, Frederickson, N, & Furnham, A (2004); "The role of trait emotional intelligence in academic performance and deviant behavior at school", *Personality and Individual Differences*, 36 (2), PP 227-293.
- Rey, L, Extremera, N, Pena, M (2011); "Perceived emotional intelligence, Selfesteem and lifesatisfaction in Adolescents", *Psychosocial Intervention*, 20, PP 227-234.
- Salovey, P, & Mayer, J D (1990); "Emotional intelligenc", *Imagination, Cognition, and Personality*, 9, PP 185-211.
- Sampson, E, E (1978); "Personality and the location of identity", *Journal of Personality*, 46, PP 552-568.
- Sartor, C, E, & Youniss, J (2002); "The relation between positive parental involvement and identity achievement during adolescence", *Adolescence*, 37, PP 221-234.
- Schutte, N, S, Malouff, J, M, Hall, L, E, Haggerty, D J, Cooper, C, J, & Dornheim (1998); "Development and validation of a measure of emotional intelligence", *Personality and Individual Differences*, 25, PP 167-177.
- Schutte, N, S (1998); "Development and Validitation of a measure of Emotional Intelligence", *Personality and Individual Differences*, 25, PP 167-177.
- Show, E (2004); "Emotional support from parents early in life, aging, and health", *Psychology and Aging*, 19, PP 4-12.
- Sillick, T, J & Schutte, N, S (2006); "Emotional Intelligence and self- esteem mediate between Parental love and Adult happiness", *Journal of Applied Psychology, Emotional Intelligence*, 2 (2), PP 38-48.
- Simon, H, A (1983); "Discovery, invention, and development: Human creative thinking", *Proceedings of the National Academy of Sciences*, USA, 80 (14), PP 4569-4571.
- Song, L, J, Haung, G, Peng, K, Z, Low, K, S, Wong, C, S, Chen, Z (2010); "The differential effects of general mental ability and emotional intelligence on academic performance and social interactions"; *Intelligence*, 38, PP 137-143.
- Tajfel, H (1998); *Social Identity and Inter group Relations*. in: Worchel, S., Morales, J. F., Paez, D. and Deschamps, J. C. (Eds.); *Social Identity International Perspectives*, London: Sage.
- Tajfel, H, & Turner, J, C (1979); An integrative theory of intergroup conflict. In W. G. Austin & S. Worchel (Eds.), *The social psychology of intergroup relations*, Monterey, CA: Brooks/Cole:33-47.
- Tajfel, H, & Turner, J, C (1986); The social identity theory of intergroup behaviour. In S. Worchel & W. G. Austin (Eds.), *Psychology of intergroup relations*, Chicago, IL: Nelson-Hall:7-24.
- Turner, J, C (1985); Social categorization and the self-concept: A social cognitive theory of group behavior. In E. J. Lawler (Ed.), *Advances in group processes: Theory and research* , Vol. 2, PP 77-121. Greenwich, CT: JAI Press.
- Warwick, J. & Nettelbeck, t. (2004); Emotional intelligence is....?, *Personality and Individual difference*, 37, PP 1091-1100.
- Waterman, A, S, (1984); "Identity formation: Discovery or creation?", *Journal of Early Adolescence*, 4, PP 329-341.